

بحث: تجری و معصیت و انقیاد و اطاعت

۱. مرحوم آخوند در ابتدای امر دوم می‌نویسد:

«قد عرفت أنه لا شبهة فی أن القطع یوجب استحقاق العقوبة علی المخالفة و المثوبة علی الموافقة فی صورة الإصابة فهل یوجب استحقاقها فی صورة عدم الإصابة علی التجری بمخالفته و استحقاق المثوبة علی الانقیاد بموافقه أو لا یوجب شیئا.»^۱

۲. مرحوم مشکینی در حاشیه بر کفایه به نکته‌ای در تعریف این ۴ اصطلاح اشاره می‌کند:

«التجری عنوان یتحقق مع إرادة مخالفة المولی قطعاً، كما أن الانقیاد یتحقق مع إرادة موافقه كذلك، إلّا أن الاصطلاح انعقد علی إطلاقهما علی خصوص ما لم یکن مخالفته و موافقه واقعا»^۲

۱. کفایه الاصول، ص ۲۵۹

۲. کفایه الاصول با حواشی مشکینی، ج ۳، ص ۴۷



ما می‌گوییم:

۱. این ۴ اصطلاح چنین تعریف شده‌اند:

اطاعت: قصد اطاعت + اطاعت خارجی

معصیت: قصد معصیت + معصیت خارجی

انقیاد: قصد اطاعت + عدم اطاعت خارجی (چه معصیت خارجی صورت پذیرد و چه معصیت خارجی صورت نپذیرد)

تجری: قصد معصیت + عدم معصیت خارجی (چه اطاعت خارجی صورت پذیرد و چه اطاعت خارجی صورت نپذیرد)

مرحوم مشکینی توجه داده بود که از حیث لغوی هر جا قصد معصیت باشد تجری صادق است و هر جا قصد اطاعت باشد انقیاد صادق است و لذا از جهت لغوی هر اطاعت و معصیتی، انقیاد و تجری، نیست. ولی مطابق اصطلاح، انقیاد و تجری، بر همان قصد اطاعت و قصد معصیت در صورتی که اطاعت و معصیت تحقق خارجی نیافته باشد، صدق می‌کند.

۲. معمول بحث‌های اصولی درباره حرمت تجری است و بحث از انقیاد را خواسته‌اند از آن استفاده کنند و

لذا بحث معمولاً با این سؤال شروع می‌شود که آیا تجری باعث عقوبت اخروی می‌شود؟

۳. همچنین لازم است توجه شود که بحث در این مرحله درباره «تجری قاطع» است و در انتها باید به صورت مستقل به بحث از «تجری ظان» و صاحب حجت» هم پرداخت.

